

# دانیال کی کتاب — اکسٹھواں نمبر

افشای بافتہ نبوی: درک رؤیاهای دانیال، عہد، و زمان مہر و موم در ایام آخر

Jeff Pippenger

2024-01-25

جبرائیل باب نہم میں دانی ایل کے پاس آیا تاکہ اسے اُن دو رؤیا کے بارے میں فہم اور ادراک عطا کرے جو باب ہشتم میں پیش کی گئی تھیں۔

و او مرا آگاہ ساخت و با من سخن گفت و گفت: ای دانیال، اکنون آمدہام تا بہ تو بصیرت و فہم عطا کنم۔ در آغاز تضرعات تو، فرمان صادر شد، و من آمدہام تا اُن را بہ تو بنمایانم؛ زیرا تو بسیار محبوبی۔ پس این امر را دریاب و رؤیا را ملاحظہ کن۔ دانیال ۹:۲۲، ۲۳۔

برای آن کہ دانیال «فہم» مورد نیاز خود را داشتہ باشد، جبرئیل بہ او گفت کہ ہم «کلام» و ہم «رؤیا» را درک کند۔ «کلام» همان رؤیای پایمال شدن مقدس و لشکر بود، و «رؤیا» رؤیای ظہور ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود۔ خواہر وایت نیز بر این دو رؤیا تأکید می کند، آنگاہ کہ بہ ما آگاہ می سازد کہ دانیال در پی آن بود کہ رابطہ میان اسارت ہفتادسالہ و دو ہزار و سیصد سال را بفہمد۔ ہفتاد سال همان چیزی است کہ جبرئیل آن را «کلام» معرفی کرد، و «رؤیا» همان دو ہزار و سیصد سال بود۔ دانیال نمایانگر «حکیمان» در ایام آخر است، ہنگامی کہ جبرئیل تفسیر دو ہزار و سیصد سال را ارائہ می کند۔ «حکیمان» در تفسیر جبرئیل، ہم «کلام» و ہم «رؤیا» را تشخیص می دہند؛ شریران درک نمی کنند۔ میلیری ہا «کلام» و «رؤیا» را فہمیدند، اما تنها بہ گونہای محدود۔

چہارصد و نود سال زمان آزمایشی، دورہای بود کہ بر چہارصد و نود سال عصیان بر ضدّ عہد «ہفت زمان» کہ در لاویان بیست و پنج و بیست و شش نمایان شدہ است، بنا شدہ بود۔ ہفتاد سال اسارت، حاصل مجموع ہمہ سالہایی بود کہ بہ زمین اجازہ دادہ نشد از آرامش خود بہرہ مند گردد۔

ہفتہای کہ مسیح در آن عہد را با بسیاری استوار ساخت، نمونہای از منازعہ عہد او بود، چنان کہ بہ وسیلہ دو دورہ ہزار و دویست و شصت روزہ بازنمودہ شدہ است۔ آن ہفتہ نبوی بہ وسیلہ صلیب، کہ مہر خدا را تمثیل می کند، تقسیم شد۔

«مہر خدای زندہ کہ بر پیشانی های قوم او نہادہ می شود، چیست؟ آن نشانی است کہ فرشتگان آن را می خوانند، نہ دیدگان انسان؛ زیرا فرشتہ ہلاک کنندہ باید این نشان رستگاری را ببیند۔ ذہن ہوشمند، علامت صلیب جلجتا را بر پسران و دختران پذیرفتہ شدہ خداوند دیدہ است۔ گناہ تعدی از شریعت خدا برداشتہ شدہ است۔ ایشان جامہ عروسی را بر تن دارند و نسبت بہ ہمہ اوامر خدا مطیع و امین اند۔» Manuscript Releases، جلد 21، 52۔

آن ہفتہ ممثل دو دورہ ہزار و دویست و شصت سالہ بود کہ بہ وسیلہ قانون یکشنبہ ۵۳۸ - (نشان وحش) - از یکدیگر جدا می شدند؛ دورہای کہ در آن نخست بت پرستی و سپس پاپیت، مقدس و لشکر را پایمال کردند۔ بہ مدت ہزار و دویست و شصت روز، مسیح شہادت خود را داد، و سپس برای ہزار و دویست و شصت روز دیگر، مسیح همان شہادت را از طریق شاگردان خود داد۔ بہ مدت ہزار و دویست و شصت سال، شیطان از طریق بت پرستی شہادت خود را داد، و سپس برای ہزار و دویست و شصت سال دیگر، شیطان از طریق پاپیت شہادت خود را داد۔

عہدی کہ بر اثر نافرمانی اسرائیل باستان بہ «مخاصمہ» خدا بدل شد، همان عہد فصل بیست و پنج لاویان بود کہ استراحت زمین و یوبیلی را کہ می بایست ہر چہل و نہمین سال برگزار شود، ترسیم

می کرد.

و خداوند بر موسی در کوه سینا سخن گفت و فرمود: به بنی اسرائیل سخن بگو و به ایشان بگو: چون به زمینی که من به شما می‌دهم داخل شوید، آنگاه آن زمین برای خداوند سبّتی را نگاه خواهد داشت. شش سال مزرعه خود را بکار، و شش سال تاکستان خود را هرس کن و محصول آن را جمع‌آوری نما؛ اما در سال هفتم، برای زمین سبّتی آرامی خواهد بود، سبّتی برای خداوند؛ مزرعه خود را مکاری و تاکستان خود را هرس منما. آنچه از حاصل تو خود به خود بروید، درو مکن، و انگور تاک هرس نشده خود را جمع مکن، زیرا آن سال، سال آرام برای زمین است. و سبّتی زمین برای شما خوراک خواهد بود؛ برای تو و برای غلامت و برای کنیزت و برای مزدورت و برای غریب تو که نزد تو اقامت دارد، و برای چارپایانت و برای حیواناتی که در زمین تو هستند، تمامی محصول آن خوراک خواهد بود. و برای خود هفت سبّتی سال‌ها را بشمار، هفت بار هفت سال؛ و مدت هفت سبّتی سال‌ها برای تو چهل و نه سال خواهد بود. آنگاه در روز دهم ماه هفتم، نای یوبیل را به صدا درآور؛ در روز کفار، نای را در تمامی سرزمین خود به صدا درآورید. و سال پنجاهم را تقدیس کنید و در سراسر زمین، برای همه ساکنانش آزادی را اعلام نمایید؛ آن برای شما یوبیل خواهد بود؛ و هر کس به ملک خود بازگردد، و هر کس به خاندان خود رجوع نماید. سال پنجاهم برای شما یوبیل خواهد بود: در آن مکاری، و آنچه در آن از خود می‌روید درو ننمایید، و انگور تاک هرس نشده آن را جمع نکنید. زیرا آن یوبیل است؛ برای شما مقدس خواهد بود؛ محصول آن را از صحرا بخورید. در این سال یوبیل، هر کس به ملک خود بازگردد. لاویان 1: 25-13.

دوره نخست نبوت دو هزار و سیصد ساله، همانند هفته‌ای که مسیح در آن عهد را استوار ساخت، و همانند چهارصد و نود سال، به طور مستقیم با «هفت زمان» در فصول بیست و پنج و بیست و شش لاویان مرتبط است.

پس بدان و درک کن که از زمان صدور فرمان برای بازگردانیدن و بنا کردن اورشلیم تا مسیح رئیس، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود؛ کوچه و حصار از نو بنا خواهد شد، هرچند در زمان‌های سخت. دانیال ۹:۲.

شصت و نه هفته که از ۴۵۷ پیش از میلاد آغاز می‌شود، شما را به تعمید مسیح و به آغاز آن هفته‌ای می‌رساند که او در آن عهد را استوار ساخت؛ و آن، عهد «مخاصمه» خدا بود. اما یک هفته از هفته‌ها (چهل و نه سال) وجود داشت که با عبارت «هفت هفته، و شصت و دو هفته» از شصت و نه هفته جدا شده بود. از ۴۵۷ پیش از میلاد، قرار بود چهل و نه سال باشد؛ اشاره‌ای روشن به عهد لاویان، فصل بیست و پنجم، و به جشن یوبیل. آن چهل و نه سال نه تنها نمادی از ادوار یوبیل بود، بلکه نمادی از پنتیکاست نیز بود، که روز پنجاهمی است که پس از چهل و نه روز عید هفته‌ها فرا می‌رسد.

چهل و نه سال نخست از دو هزار و سیصد سال، یعنی چهارصد و نود سال، و آن هفته‌ای که عهد در آن استوار گردید، همگی به طور مستقیم با دو هزار و پانصد و بیست سال، که در لاویان بیست و شش به صورت «هفت زمان» نشان داده شده است، مرتبط‌اند. هر جزء از نبوت دو هزار و سیصد ساله به طور مستقیم با «هفت زمان» مرتبط است؛ همان «هفت زمان»ی که آدونتیسم در سال ۱۸۶۳ آن را کنار نهاد و رد کرد. «هفت زمان» نمادی از عهد یوبیل است، و از این رو نیز باید توجه داشت که هنگامی که دو هزار و سیصد سال در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید، دو هزار و پانصد و بیست سال نیز در همان روز به پایان رسید؛ زیرا موسی در باب بیست و پنجم لاویان چنین ثبت کرده است:

اور تو اپنے لیے برسوں کے سات سبت شمار کرنا، یعنی سات مرتبہ سات برس؛ اور برسوں کے ان سات سبتوں کی مدت تیرے لیے انچاس برس ہوگی۔ پھر ساتویں مہینے کی دسویں تاریخ کو تو جوبلی کے نرسنگے کی آواز بلند کرنا؛ کفارے کے دن تم اپنے سارے ملک میں نرسنگا بجواؤ۔ احبار 25:8، 9.

بر نبوی مدت جو تئیس سو برسوں کے اندر ہے، لاویوں کی کتاب چھبیس کے "سات زمانوں" کے ساتھ براہ راست وابستہ ہے، بشمول اُس دن کے جب دونوں نبوی مدتیں اختتام پذیر ہوئیں۔ پہلے اُنچاس برسوں نے یروشلم کی تعمیر نو اور بحالی کے اُس کام کی نشان دہی کی جو اُس وقت تک تکمیل کو پہنچنا تھا جب خدا کے لوگ بابل سے نکل آئے۔ ہیکل تیسرے فرمان سے پہلے مکمل ہو چکی تھی، جس طرح میلریوں کی ہیکل بھی تیسرے فرشتے کے آنے سے پہلے مکمل ہو چکی تھی۔ تاہم 457 ق م کے بعد، "سڑک" کو اب بھی "پھر سے تعمیر کیا جانا" تھا، "اور فصیل کو بھی، اگرچہ مصیبت کے زمانوں میں۔" الفا اور اومیگا ہونے کے ناطے، یسوع ہمیشہ کسی چیز کے انجام کو اُس کے آغاز کے ساتھ واضح کرتا ہے، اور 22 اکتوبر 1844 کے بعد، میلریوں کو "سڑک" اور "فصیل" کو "مصیبت کے زمانوں میں" مکمل کرنا تھا۔

وایت خواہر دیوار حقیقی حفاظت پیرامون اورشلیم را نمادی از شریعت خدا معرفی می کند، و بلافاصله پس از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، وفاداران به قدس آسمانی ہدایت شدند و شریعت خدا (دیوار) را شناختند۔ برای آن کہ شریعت خدا، از جمله سبت، را بشناسند، میلری ہا بہ عہد اسرائیل باستان بازگردانده شدند۔ احیای «کوچہ» حقیقی، همان احیایی است کہ بہ صورت روحانی ہنگامی تحقق یافت کہ میلری ہا بہ «راہ ہای قدیم» ارمیا بازگشتند۔ «زمان ہای پر آشوبی» کہ می بایست در دورہ ای کہ دیوار و کوچہ برپا می شدند وجود داشته باشد، قرار بود پس از ۱۸۴۴ تحقق یابد، و جنگ داخلی کہ در آن زمان در حال نزدیک شدن بود و بہ زودی در همان تاریخ آغاز شد، نمایانگر آن زمان ہای پر آشوب بود۔

اگر آنان وفادار می ماندند، بہ سال نمادین پنجاہم یوبیل می رسیدند (جایی کہ غلامان آزاد می شوند)، کہ ہمچنین بہ وسیلہ روز پنجاہم پنتیکاست نیز یازنمایی می شد (جایی کہ پیام رهایی بہ تمام جہان می رسد)۔ اما پس از ۱۸۴۴، اکثر ایشان با نور سبت مخالفت کردند، و در ۱۸۶۳ نیز پیام موسی («ہفت زمان») را کہ بہ وسیلہ ایلیا (ویلیام میلر) بہ آنان رسانده شدہ بود، رد کردند۔ بہ عبارت دیگر، آنان از «راہ» (طرق قدیم) کہ می بایست آن را مرمت کردہ، در آن سلوک کنند، روی گردان شدند۔

عیسی ہموارہ پایان را بہ وسیلہ آغاز تصویر می کند، و ہنگامی کہ مثل دہ باکرہ در ایام آخر تکرار می شود، کار بازسازی اورشلیم بار دیگر باید بہ انجام برسد۔ «کوچہ و حصار» در «زمان ہای تنگی» بنا خواہد شد۔ ما اکنون در حال ورود بہ همان زمان ہای تنگی ہستیم۔ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نمونہ پیشگویانہ قانون یکشنبہ قریب الوقوع است؛ بنابراین، ہنگامی کہ «ساعت زلزلہ عظیم» مکاشفہ یازدہ فرامی رسد، کوچہ و حصار در زمان ہای تنگی بنا خواہد شد۔ اکنون این زمان ہای تنگی را بہ عنوان «خشمگین شدن امت ہا» کہ از جنگ افروزی فزاینده اسلام پدید می آید، شناسایی خواہیم کرد۔

در حالی کہ آنچه را کہ پیش تر دربارہ «زمان تنگی» نوشتہ شدہ بود توضیح می داد، توضیحی ارائه کرد کہ در کتاب Early Writings ثبت شدہ است۔

۱. در صفحہ ۳۳ چنین آمدہ است: "دیدم کہ سبت مقدّس، ہست و خواہد بود، دیوار جدایی میان اسرائیل حقیقی خدا و بی ایمانان؛ و اینکہ سبت مسئلہ عظیمی است برای متحد ساختن دل ہای مقدّسان عزیز خدا کہ در انتظارند۔ دیدم کہ خدا فرزندان را دارد کہ سبت را نمی بینند و نگاہ نمی دارند۔ ایشان نوری را کہ دربارہ آن است رد نکردہ اند۔ و در آغاز زمان تنگی، ہنگامی کہ بیرون رفتیم و سبت را بہ گونه ای کامل تر اعلام کردیم، از روح القدس پر شدیم۔"

punto de vista fue dado en 1847, cuando había muy pocos de los hermanos 85" adventistas que observaban el sábado; y aun de estos, pocos suponían que su observancia tuviera suficiente importancia como para trazar una línea divisoria entre el pueblo de Dios y los incrédulos. Ahora comienza a verse el cumplimiento de aquella visión. 'El comienzo de aquel tiempo de angustia' aquí mencionado no se refiere al

tiempo cuando las plagas comenzarán a ser derramadas, sino a un corto período justamente antes de que sean derramadas, mientras Cristo está en el santuario. En ese tiempo, mientras la obra de salvación está llegando a su fin, la angustia vendrá sobre la tierra, y las naciones se airarán, aunque serán refrenadas de modo que no impidan la obra del tercer ángel. En ese tiempo vendrá la 'lluvia tardía', o refrigerio procedente de la presencia del Señor, para dar poder a la gran voz del tercer ángel y preparar a los santos para mantenerse firmes en el período cuando las siete últimas plagas sean derramadas." Primeros Escritos, 85"

«مدتی کوتاه» وجود دارد که پیش از بسته شدن زمان فیض فرا می رسد؛ زمانی که «امت ها خشمگین خواهند شد، اما مهار خواهند گردید.» هم زمان، «باران آخر» نیز فرامی رسد. «خشمگین شدن امت ها» نمادی است که در باب یازدهم مکاشفه معرفی شده است.

و امت ها خشمگین شدند، و غضب تو فرارسیده است، و زمان مردگان که داوری شوند، و تا به بندگان خود، انبیا، و مقدسان، و آنان که از نام تو می ترسند، خرد و بزرگ، پاداش عطا فرمایی؛ و آنان را که زمین را هلاک می کنند، هلاک سازی. مکاشفه 11:18.

خواهر وایت درباره این آیه اظهار نظر می کند.

"මළවුන්, උදහසද දවේයන්වහන්සේගේ, කෝපයද ජාතීන්ගේ දැක්කමේ මම" වනෙස්වුන් පැහැදිලිව වනේවුන් එකිනකෙතේ කාලයද නියමිත කිරීමට විනිශ්චය තවම මිකායලේ තවද; බවත්ය පැමිණෙන පසුපස අනකෙ එකක්, බවත් දෝවල්. බවත්ය නොවූ ආරම්භ තවම විපත්කාලය නොවූ කිසිදා, බවත් නොසිටි නැඟී සුජකයා මහෝත්තම අපගේ එහතේ; සිටිති පත්වමේත් කෝපයට දැන් ජාතීන් සිටිමින් නැඟී උන්වහන්සේ, කල කළ අවසන් සේවය තමන්ගේ ශුද්ධස්ථානයේ වගුරුවනු හත වසංගත අවසාන එවිට; සේක ගන්නා පළද රැවස්ත් පළිගැනීමේ ලැබේ."

«من دیدم که آن چهار فرشته، چهار باد را نگاه خواهند داشت تا کار عیسی در قُدس به انجام رسد، و آنگاه هفت بلای آخر خواهد آمد.» نوشته های آغازین، 36.

«خشمگین شدن امت ها» درست پیش از بسته شدن زمان آزمایش رخ می دهد، زیرا پس از آن «غضب خدا» می آید. «غضب خدا» هنگامی واقع می شود که زمان آزمایش بسته می شود، و «وقت داوری مردگان» به داوری ای اشاره دارد که در خلال هزاره انجام می گیرد، و به داوری مردگان که در سال 1844 آغاز شد اشاره ندارد.

اور میں نے ایک فرشتہ کو آسمان سے اُترتے دیکھا، جس کے ہاتھ میں تہ پاتال کی کنجی اور ایک پڑی زنجیر تھی۔ اور اُس نے اڑدے کو، یعنی اُس پرانے سانپ کو، جو ابلیس اور شیطان ہے، پکڑ لیا اور اُسے ایک ہزار برس کے لیے باندھ دیا، اور اُسے تہ پاتال میں ڈال دیا، اور اُسے بند کر دیا، اور اُس پر مہر کر دی، تاکہ وہ قوموں کو پھر گمراہ نہ کرے، یہاں تک کہ وہ ایک ہزار برس پورے ہو جائیں؛ اور اُس کے بعد ضروری ہے کہ وہ تھوڑے عرصہ کے لیے چھوڑ دیا جائے۔ اور میں نے تخت دیکھے، اور لوگ اُن پر بیٹھ گئے، اور عدالت اُن کے سپرد کی گئی؛ اور میں نے اُن کی روچیں دیکھیں جن کے سر یسوع کی گواہی اور خدا کے کلام کے سبب کاٹے گئے تھے، اور جنہوں نے نہ اُس وحشی کی پرستش کی تھی، نہ اُس کی مورت کی، اور نہ اُس کا نشان اپنے ماتھوں پر یا اپنے ہاتھوں پر لیا تھا؛ اور وہ زندہ ہوئے اور مسیح کے ساتھ ایک ہزار برس تک بادشاہی کرتے رہے۔ مکاشفہ 20:1-4.

داوری ای که «به» مقدسان «سپرده می‌شود»، نشان می‌دهد که آنان در طول هزاره بر شیران داوری خواهند کرد، نه اینکه خودشان داوری شوند.

«در خلال هزار سال میان قیام نخست و قیام دوم، داوری شیران انجام می‌گیرد. رسول پولس به این داوری به‌عنوان رویدادی اشاره می‌کند که پس از آمدن دوم واقع می‌شود. «پیش از وقت، هیچ چیز را داوری نکنید تا خداوند بیاید، که هم امور پنهان تاریکی را آشکار خواهد ساخت و هم نیت‌های دل‌ها را ظاهر خواهد نمود.» ۱ قرن‌تیاں ۴:۵. دانیال اعلام می‌دارد که هنگامی که قدیم‌الایام آمد، «داوری به مقدسین حضرتِ اعلیٰ داده شد.» دانیال ۷:۲۲. در این زمان، پارسایان چونان پادشاهان و کاهنان برای خدا سلطنت می‌کنند. یوحنا در مکاشفه می‌گوید: «تخت‌ها دیدم و بر آنها نشستند، و داوری به ایشان سپرده شد.» «ایشان کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.» مکاشفه ۲۰:۴، ۶. در همین زمان است که، چنان‌که پولس پیشگویی کرده بود، «مقدسین جهان را داوری خواهند کرد.» ۱ قرن‌تیاں ۶:۲. آنان در اتحاد با مسیح، شیران را داوری می‌کنند، اعمال ایشان را با کتاب قانون، یعنی کتاب مقدس، می‌سنجند و هر قضیه را بر حسب اعمالی که در جسم انجام داده شده است، تعیین می‌نمایند. سپس سهمی که شیران باید متحمل شوند، بر وفق اعمالشان اندازه‌گیری می‌شود؛ و آن بر ضد نام‌های ایشان در کتاب مرگ ثبت می‌گردد.»

«شیطان نیز و فرشتگان شیر بر وسیلهٔ مسیح و قوم او داوری می‌شوند. پولس می‌گوید: "آیا نمی‌دانید که ما فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟" آیه ۳. و یهودا اعلام می‌دارد که "فرشتگانی را که مقام نخستین خود را نگاه نداشتند، بلکه مسکن خویش را ترک گفتند، او در زنجیرهای جاودانی، زیر ظلمت، برای داوری روز بزرگ محفوظ داشته است." یهودا ۶.»

"در پایان هزار سال، قیامت دوم واقع خواهد شد. آنگاه شیران از مردگان برخیزانیده خواهند شد و برای اجرای «داوری مکتوب» در حضور خدا ظاهر خواهند گشت. بدین‌سان، مکاشفه‌نگار، پس از توصیف قیام عادلان، می‌گوید: «و سایر مردگان زنده نشدند تا آن‌که هزار سال به انجام رسید.» مکاشفه ۲۰:۵. و اشعیا دربارهٔ شیران اعلام می‌دارد: «و ایشان، چنان‌که اسیران در حفره جمع می‌شوند، جمع خواهند شد، و در زندان محبوس خواهند گردید، و پس از روزهای بسیار از ایشان بازخواست خواهد شد.» اشعیا ۲۴:۲۲. نبرد عظیم، ۶۶۰، ۶۶۱.

پس روشن است که «به خشم آمدن امت‌ها» به «اوقاتِ پر آشوب» اشاره دارد که پیش از پایان زمان آزمایش بر جهان فرامی‌آید، و اینکه هنگامی که «امت‌ها به خشم می‌آیند»، در همان حال «مهار نیز شده‌اند».

"میں نے دیکھا کہ قوموں کا غضب، خدا کا قہر، اور مُردوں کی عدالت کا وقت الگ الگ اور ممتاز تھے، اور ایک کے بعد دوسرا آنے والا تھا۔" اولین تحریریں، 36.

در زمانی که «قوم‌ها به خشم می‌آیند»، باران آخر آغاز به باریدن می‌کند.

«در آن زمان، هنگامی که کار نجات به پایان خود نزدیک می‌شود، مصیبت بر زمین خواهد آمد، و امت‌ها خشمگین خواهند شد، اما مهار خواهند شد تا از کار فرشتهٔ سوم جلوگیری نکنند. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی‌ای از حضور خداوند، خواهد آمد تا به آواز بلند فرشتهٔ سوم قدرت ببخشد و مقدسان را آماده سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر فرو ریخته خواهد شد، استوار بمانند.» Early Writings, 85.

زمانی فرا می‌رسد که «امت‌ها به خشم می‌آیند»، اما در همان حال «مهار شده‌اند». در همان هنگام است که مسیح ملکوت جلال خویش را برپا می‌سازد، زیرا او ملکوت خویش را در ایام باران آخر برپا می‌دارد.

«باران آخر بر آنان که پاک هستند می‌بارد—آنگاه همگان آن را همانند پیش از این دریافت خواهند کرد.»

«چون آن چهار فرشته رها کنند، مسیح پادشاهی خویش را برپا خواهد ساخت. هیچ‌کس باران اخیر را دریافت نمی‌کند مگر آنان که هر آنچه از دستشان برمی‌آید انجام می‌دهند.» Spalding and Magan, 3

دو بخش پیشین از کتاب \*نوشته‌های نخستین\* نشان می‌دهند که هنگامی که امت‌ها به خشم می‌آیند و هم‌زمان «مهار می‌شوند»، چهار فرشته چهار باد را باز می‌دارند. از این‌رو، به خشم آمدن امت‌ها به منزله «چهار باد» به تصویر کشیده شده است. او همچنین خاطرنشان ساخت که در زمانی که چهار فرشته امت‌های خشمگین را مهار می‌کنند، باران آخر خواهد آمد. دوره زمانی‌ای که با آمدن باران آخر آغاز می‌شود، که همان زمانی نیز هست که امت‌ها به خشم می‌آیند، با این‌حال مهار می‌شوند، تا هنگامی ادامه می‌یابد که میکائیل برمی‌خیزد و مهلت آزمون بشری پایان می‌پذیرد. آن دوره زمانی، دوره‌ای است که در آن نجات رو به پایان می‌رود، و بنابراین نمایانگر آخرین کار مسیح در مکان اقدس است، که به عنوان دوره زمانی‌ای شناخته می‌شود که در آن او یا گناهان مردم را محو می‌کند یا نام‌های ایشان را از کتاب‌های داوری. آن دوره زمانی، هنگامی که فرشتگان چهار باد را باز می‌دارند، زمان مهر شدن آن یکصد و چهل و چهار هزار تن است.

اسلام بلا‌ی سوم همان قدرتی است که «ملت‌ها را به خشم می‌آورد»، و بلا‌ی سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، اما اسلام بی‌درنگ «مهار شد». «باد شرقی» نمادی از اسلام است، و اشعیا «باد شرقی» را همان «باد سخت» معرفی می‌کند که خدا آن را «باز می‌دارد» (مهار می‌کند). جنگ اسلام بارها به صورت زنی در حال زایمان به تصویر کشیده شده است، زیرا این جنگی فزاینده است که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد؛ آنگاه که فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد، چنان‌که با فرو افکندن بناهای عظیم شهر نیویورک نشان داده شد.

«آیا اکنون این سخن منتشر شده است که من اعلام کرده‌ام نیویورک باید به وسیله موجی عظیم از میان برداشته شود؟ من هرگز چنین نگفته‌ام. آنچه گفته‌ام این است که، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی که در آنجا طبقه بر طبقه بالا می‌رفتند می‌نگریستم، می‌گفتم: "چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد آنگاه که خداوند برخیزد تا زمین را به شدت به لرزه درآورد! آنگاه کلمات مکاشفه ۱۸:۳-۴ به انجام خواهد رسید." تمام فصل هجدهم مکاشفه هشدار می‌دهد درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما درباره آنچه به طور خاص بر نیویورک خواهد آمد، هیچ نور ویژه‌ای ندارم، جز اینکه می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آنجا به واسطه گردش و واژگونی قدرت خدا فرو افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده است، می‌دانم که هلاکت در جهان است. یک کلام از سوی خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای سترگ فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آنها را نمی‌توانیم تصور کنیم.» Review and Herald, July 5, 1906

بر نمودارهای ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰، اسلام به صورت «اسب‌های جنگی» نمایش داده شده است. در باب نهم مکاشفه، جایی که اسلام وای نخست و دوم بیان شده است، شخصیت اسلام با نام پادشاه اسلام مشخص می‌گردد.

و ایشان را پادشاهی بر خود بود، که همان فرشته‌هاویه است، که نامش در زبان عبرانی آبدون است، اما در زبان یونانی نامش آپلیون است. مکاشفه ۹:۱۱.

नयिम पुराना चाहे कहै कराता पहचान यह से रीत भवषियवाणी पूरण, है ग्यारह पद और नौ अध्याय जो, पद यह है। अपोल्योन अथवा अबद्दोन चरतिर का इस्लाम, मै) यूनानी (नयिम नया या हो गया कयिा प्रस्तुत मै) इब्रानी

“मृत्यु। और वनिश” है अर्थ का नामो दोनो

«فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند؛ بادهایی که به اسبی خشمگین تشبیه شده‌اند که می‌کوشد خود را رها سازد و بر سراسر روی زمین بتازد، در حالی که در مسیر خود ویرانی و مرگ را حمل می‌کند.» Manuscript Releases، جلد 20، 217.

چهار بادهای همان اسب خشمگین نبوت کتاب مقدس‌اند که می‌کوشد بند بگسلد. یکی از ویژگی‌های نبوی این اسب خشمگین آن است که مهار شده است، اما در پی آن است که رها شود و «ویرانی و مرگ» را بر سراسر زمین فرو آورد.

ما در مقاله بعدی به بررسی این موضوعات ادامه خواهیم داد.

«کاش قوم خدا از نابودی قریب‌الوقوع هزاران شهر، که اکنون تقریباً به بت‌پرستی سپرده شده‌اند، آگاه بودند! اما بسیاری از آنان که باید حقیقت را اعلام کنند، برادران خود را متهم می‌سازند و محکوم می‌کنند. هنگامی که قدرت تبدیل‌کننده خدا بر ذهن‌ها فرود آید، تغییری آشکار پدید خواهد آمد. انسان‌ها دیگر میلی به انتقاد کردن و ویران ساختن نخواهند داشت. آنان در موضعی نخواهند ایستاد که مانع تابیدن نور به جهان شود. انتقاد ایشان، اتهام‌زنی ایشان، پایان خواهد یافت. نیروهای دشمن برای نبرد بسیج می‌شوند. کشاکش‌های سخت در پیش روی ماست. به هم نزدیک شوید، ای برادران و خواهران من، به هم نزدیک شوید. با مسیح پیوند یابید. «شما مگویید: فتنه،... و از آنچه ایشان از آن می‌ترسند مترسید و هراسان مشوید. یهوه صباوت را مقدس شمارید، و او ترس شما باشد و او بیم شما. و او قدس خواهد بود؛ اما برای هر دو خاندان اسرائیل سنگ لغزش و صخره مصادمه، و برای ساکنان اورشلیم دام و تله خواهد شد. و بسیاری از ایشان لغزش خواهند خورد و خواهند افتاد و شکسته خواهند شد و در دام خواهند افتاد و گرفتار خواهند شد.»

«دنیا صحنه نمایش است. بازیگران آن، یعنی ساکنانش، خود را آماده می‌سازند تا نقش خویش را در آخرین نمایش بزرگ ایفا کنند. خدا از نظرها دور شده است. در میان توده‌های عظیم بشریت هیچ یگانگی‌ای وجود ندارد، مگر آن‌گاه که انسان‌ها برای تحقق مقاصد خودخواهانه خویش با یکدیگر هم‌پیمان می‌شوند. خدا ناظر است. مقاصد او درباره رعایای سرکش خویش تحقق خواهد یافت. جهان به دست انسان‌ها سپرده نشده است، هرچند خدا برای مدتی به عناصر آشفتگی و بی‌نظمی اجازه می‌دهد که مسلط باشند. قدرتی از زیر در کار است تا آخرین صحنه‌های بزرگ این نمایش را پدید آورد—یعنی شیطان که همچون مسیح می‌آید و با نهایت فریب ناراستی در میان کسانی عمل می‌کند که خود را در انجمن‌های سری به یکدیگر پیوند می‌دهند. آنان که تسلیم شور هم‌پیمانی می‌شوند، نقشه‌های دشمن را به اجرا درمی‌آورند. علت، معلول خود را در پی خواهد داشت.»

«تجاوز تقریباً به حدّ نهایی خود رسیده است. آشفتگی جهان را فرا گرفته است، و به‌زودی هراسی عظیم بر آدمیان عارض خواهد شد. پایان بسیار نزدیک است. ما که حقیقت را می‌شناسیم، باید خود را برای آنچه به‌زودی همچون شگفتی‌ای سهمگین بر جهان فرود خواهد آمد، آماده سازیم.» Review and Herald, September 10, 1903